

شناسایی ذهنیت افراد نسبت به سیاست‌های خصوصی‌سازی در ایران (سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی) با استفاده از روش‌شناسی کیو

سید یعقوب حسینی^۱، بابک بهجتی اردکانی^۲، سحر رحمانی^۳

^۱ استادیار گروه مدیریت، دانشگاه خلیج فارس

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد MBA مؤسسه آموزشی نور طوبی

چکیده

مقاله خصوصی‌سازی در جامعه کنونی ایران بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بعد از گذشت سه دهه از آغاز خصوصی‌سازی در دنیا و در حالی که توجه پژوهشگران کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه به پیامدهای مثبت و منفی آن معطوف شده، اکنون در کشور تمایلی برای استفاده از پیشنهادها و نظریه‌ها به وجود آمده است. در این پژوهش تلاش شده تا با استفاده از روش‌شناسی کیو و تحلیل عاملی اکتشافی که در پی کشف ذهنیت افراد است و با بهره‌گیری از نظرات افراد، ذهنیت آنان نسبت به خصوصی‌سازی شناسایی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در جامعه مورد بررسی، هشت ذهنیت قابل شناسایی است. این هشت ذهنیت شناسایی شده در دو رویکرد اقتصادی و سیاسی قابل تحلیل است. این به آن مفهوم است که ذهنیت جامعه مورد بررسی بر اساس رویکرد سیاسی و اقتصادی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: خصوصی‌سازی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، روش‌شناسی کیو.

مقدمه

خصوصی‌سازی یکی از موضوعاتی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی با ظهور تاجریسم و ریگانیسم و با عقب‌نشینی دولت‌ها از مداخله و مشارکت در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جانی دوچندان یافت (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵) خصوصی‌سازی سازوکاری است که در آن، یک نظام اقتصادی مبتنی بر مالکیت دولتی و عمومی به تدریج جای خود را به یک نظام مبتنی بر مالکیت خصوصی می‌دهد (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷).

سابقه خصوصی‌سازی در ایران به قبل از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. پس از انقلاب، صنعت بانکداری، بیمه، بهداشت و درمان و آموزش از جمله بخش‌هایی بودند که با پایان یافتن جنگ عراق و ایران، رفته‌رفته به سمت سیاست خصوصی‌سازی متمایل شدند (مالجو، ۱۳۸۱)، اما این جهت‌گیری‌ها، تغییر چندانی را در پایه‌های غیررقابتی جامعه اقتصادی ایران پدید نیاورد و این‌گونه ناکامی‌ها به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی انجامید. پرسش اصلی این پژوهش آن است که ذهنیت شهروندان در مورد این رویکرد جدید چگونه است و آیا این ذهنیت قابل شناسایی است؟

چیستی خصوصی‌سازی

در متون اقتصادی، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص فعالیت‌های اقتصادی بخش عمومی و بخش خصوصی وجود دارد که طباطبایی یزدی و مافی (۱۳۸۷) آن را به دو گروه کلی تقسیم می‌کنند. گروه نخست به ناکارایی ذاتی بخش دولتی اعتقاد داشته و بهره‌وری پایین و تخصیص نامطلوب منابع را نتیجه دخالت دولت در اقتصاد می‌دانند. در این دیدگاه رشد و توسعه اقتصادی در مرتبه نخست اهمیت و اولویت قرار دارد، ولی از آنجا که «بازارها به صورت طبیعی قدرت را متمرکز می‌کنند (وارنر^۱، ۲۰۰۸، ص. ۱۶۶)، توزیع عادلانه درآمد مهم تلقی نمی‌شود. دیدگاه دوم نقش دولت در توسعه اقتصادی را مسلم دانسته و فعالیت‌های اقتصادی دولت را به منزله موتور محرکه توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد. در کنار این دو گروه،

^۱ - Warner.

ساختارگرایان و نهادگرایان جدید^۱ قرار دارند که بر این باورند، اقتصاد باید ترکیبی از بازار، دولت و بنگاه باشد. (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷).

پهنه اقتصادی جهان امروز، دولت فربه را برنمی‌تابد. مناسبات پیچیده و متنوع در چارچوب مقوله‌های مدیریت، تجارت، اقتصاد، جذب سرمایه خارجی و فناوری جدید، امکان آمیختگی با اقتصاد بین‌الملل و همگی بر تقویت «دولت ناظر» و کاهش نقش «دولت مجری» استوار است (صفارزاده پاریزی، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۹) خصوصی‌سازی به عنوان یکی از پایه‌های مدل اقتصادی نولیبرال‌ها بر اساس رقابت و دست نامرئی آدام اسمیت به کاهش نقش دولت می‌انجامد. خصوصی‌سازی، پدیده‌ای است که از بالا سازمان داده شده و علاوه بر بازآرایی نهادهای مختلف جامعه (مالجو، ۱۳۸۱)، نگرش جدیدی در مدیریت اقتصادی جامعه ارائه می‌دهد که خصوصی‌سازی به همان میزان که مقوله‌ای اقتصادی است، سیاسی هم هست (کیانی و همکاران، ۱۳۷۰).

ولجانوسکی بر این باور است که خصوصی‌سازی به مفهوم انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی یا انتقال مالکیت دارایی‌ها به بخش خصوصی است (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۶). این در حالی است که بسیاری معتقدند که خصوصی‌سازی تنها واگذاری مالکیت خصوصی‌سازی نیست و اگرچه واگذاری مالکیت اساس کار است، اما هدف اصلی خصوصی‌سازی تغییر مدیریت می‌باشد. مدیریتی که گرفتار قید و بندهای بوروکراتیک دولتی نیست و در عوض حافظ منافع سهامداران است (کیانی و همکاران، ۱۳۷۰). صفارزاده پاریزی (۱۳۸۱)، خصوصی‌سازی را به تغییر فضای حاکم بر مؤسسات دولتی به نحوی که در عین حفظ بافت اصلی فعالیت، با تغییر فضای مذکور، شرایط بازار بر نحوه عملکرد مؤسسه تأثیر گذارد و انگیزه و مکانیزم‌های بخش خصوصی ملاک تصمیم‌گیری در آن مؤسسه باشد، تعریف نموده است.

سه مقوله کلی که خصوصی‌سازی را به چالش کشیده است رفاه، امنیت و خوشی شهروندان است (الحسینی و مولز، ۲۰۰۹) که بیشتر فشار پیامدهای آن بر دوش فقرا، محرومان از حقوق شهروندی و کارگران غیرمتخصص سنگینی می‌کند (بردسال و

^۱-The New Institutional Economics.

^۲-Veljanovski.

نلیس^۱، ۲۰۰۳). توزیع نامتناسب ثروت و تفاوت درآمد، بیکاری و افزایش قیمت خدمات (الحسینی و مولز، ۲۰۰۹)، نبودن تضمین برای برابری و کارایی و ایجاد مسائل تنظیم سلیقه، نادیده انگاشتن حقوق شهروندی و دموکراسی، آماده نبودن بستر قوانین و مقررات برای تضمین کارکرد بازار رقابتی (وارنر، ۲۰۰۸)، ناکارایی آن در خدمات عمومی و افزایش قیمت آن‌ها، به خصوص در خدمات عمومی اساسی و اولیه مانند آب، برق و مانند آن (لاوری^۲ ۱۹۹۸)، مزیت دسترسی به داده‌های خاص دولتی در مؤسسات مطالعاتی برای دستیابی به ارزش‌های بالای تجاری (مولاس-گلرت و تانگ^۳، ۲۰۰۶) از جمله مواردی هستند که توسط پژوهشگران مورد انتقاد قرار گرفته است.

در حالیکه بالا بردن کارایی در بنگاه‌ها و افزایش عواید کشورها یکی از مقاصد اصلی و وعده‌های خصوصی‌سازی عنوان می‌شد (موخرجی و سوترانگ^۴، ۲۰۰۹) نتایج تحقیقاتی در آمریکا نشان می‌دهد که اجرای خصوصی‌سازی، صرفه‌جویی هزینه‌ها را در پی نداشته است (وارنر، ۲۰۰۸). به همین ترتیب در یک بررسی که توسط اوم^۵ و همکاران (۲۰۰۶) روی فرودگاه‌های دنیا انجام گرفت، نشان داد کارایی فرودگاه‌هایی که توسط شرکت‌هایی کاملاً دولتی اداره می‌شدند، تقریباً همان کارایی را داشتند که فرودگاه‌هایی که تمام یا بیشتر مالکیت آن‌ها را بخش خصوصی در اختیار داشت.

وجود این چالش‌ها که کاربردی بودن این نظریه را در جوامع مورد پرسش قرار داده‌اند، منجر به ارائه نظریاتی گردیده است که هدف آن‌ها کاستن از پیامدهای منفی خصوصی‌سازی می‌باشد. یکی از مدل‌های ارائه شده، مدل تعدیلی «فرا کینزی^۶» است. دیدگاه فرا کینزی مدل اقتصادی نولیبرال را دارای محدودیت‌هایی می‌داند، چرا که تنها در بخش مالی، تجارت و تعاونی برنامه داشته و پیامدهای اجتماعی را فراموش کرده است. در مدل فرا کینزی، دولت نیرویی فعال می‌باشد که قبل و بعد از انجام

¹-Birdsall & Nellis.

²-Lowery.

³-Molas-Gallart & Tang.

⁴-Mukherjee & Suetrong.

⁵-Oum.

⁶-Post- Keynesian.

خصوصی‌سازی برای اطمینان از قابلیت سوددهی بنگاه‌ها پیش‌بینی‌های احتیاطی را انجام می‌دهد. این مدل کمبودهای مدل نولیبرال را در عدم اطمینان، مسائل توزیعی و نهادهای اقتصادی مورد توجه قرار داده و به دنبال راه حل برای آن‌ها می‌باشد (مارانگوس^۱، ۲۰۰۲). راه حل دیگر «جامعه مدنی» است که بر اساس نظریه «خروج، اعتراض و وفاداری»، برای تصحیح ناکارآمدی‌های بخش دولتی ارائه گردیده است. این مدل از «استقرار نهادهایی که صدا و اعتراض شهروندان را درباره سو عملکردهای بخش دولتی»، پشتیبانی می‌کند (مالجو، ۱۳۸۱، ص. ۲۵). پژوهشگرانی نیز عقیده دارند دموکراسی و اقتصاد بازار به شکلی متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند (پروسکی^۲، ۱۹۹۱).

مروری بر تاریخچه خصوصی‌سازی در اقتصاد دنیا

در مرور تجربه اقتصادی کشورهای دنیا، بحران بزرگ سال‌های پایانی دهه سوم قرن بیستم نقطه عطفی تلقی شده که جدال نظری دو تفکر مهم اقتصاد را نشان می‌دهد. این بحران، باعث ایجاد شبهاتی نسبت به دیدگاه رایج آن زمان شد و مینارد کینز^۳، بر خلاف تئوری‌های کلاسیک که برگرفته از نظریه دست نامرئی آدام اسمیت^۴ بود، نظریه‌ای ارائه داد که مداخله دولت در اقتصاد را از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در امور انتفاعی و تولیدی، نوش‌داروی بحران به وجود آمده می‌دانست. عاملی که علاوه بر عدم تحقق پیش‌بینی‌های نظریه کلاسیک، باعث تشدید دخالت دولت و پذیرش دیدگاه کینزی در اقتصاد گردید، فعالیت‌های سیاسی در کشورهای صنعتی تحت تأثیر انقلاب سوسیالیستی شوروی بود. هنوز نتایج ایجاد بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی بروز نکرده بود که شروع جنگ جهانی دوم، تشدید دخالت‌های دولت را موجب شد. پس از پایان جنگ نیز بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، دخالت دولت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به خوبی

^۱-Marangos.

^۲-Przeworski.

^۳_Maynard Keynes.

^۴-Adam Smith.

توجیه می‌کرد. دولت‌های رفاه که در دهه ۱۹۵۰ تشکیل شدند، موفقیت‌هایی نسبی در اجرای سیاست‌های اقتصادی کسب نمودند و دورانی باثبات همراه با رشد اقتصادی معقولی برای کشورهای صنعتی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به ارمغان آوردند تا به انتقادات محدودی که نسبت به دخالت دولت در اقتصاد مطرح می‌شد، اهمیت چندانی داده نشود (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷).

بحران نفت در ابتدای دهه ۱۹۷۰ که با وضع بد اقتصاد جهانی و رشد بیکاری همراه شد، انتقاد به اقتصاد دولتی را افزایش داد (استولتو وینبلد^۱، ۲۰۰۹) و تردیدهایی نسبت به نتایج سیاست‌های دولت‌های رفاه ایجاد کرد تا زمینه برای یک تحول گسترده ارزشی در معیارهای اقتصادی فراهم (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵) و موضوعاتی چون «اندازه مناسب دخالت دولت، کارایی بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، جایگزینی دخالت دولت با نظارت و هدایت» (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۲) مطرح گردد. همزمان «طرفداران مکتب نولیبرال^۲ خروج از کنترل دولت، خصوصی‌سازی^۳، مالیات‌های پایین و رقابت اقتصادی را توصیه می‌کردند» (استولتو وینبلد، ۲۰۰۹، ص. ۹۰۴). این نگرش نولیبرال، اندیشه‌های نظری متنوعی را پوشش می‌داد که با عنوان «مدیریت دولتی جدید^۴» شناخته شد (مگینسون و نتر^۵، ۲۰۰۱). تأکید بر این مفاهیم، ایده خصوصی‌سازی را به عنوان یکی از ابزارهای عملیاتی این تفکر جدید مطرح کرد و جای خود را در اقتصاد آن دوران باز کرد. تاچر در دهه ۱۹۸۰ اقتصاد کلان انگلستان را به سمت انتقال وسیع سرمایه‌گذاری و کنترل عملیاتی سرمایه‌های دولتی توسط بخش خصوصی راهبری نمود (الحسینی و مولز^۶، ۲۰۰۹) و در آغاز این دوران، مفاهیم کلیدی نولیبرال توسط دولت‌های وقت آمریکا و انگلستان (ریگان و تاچر) به عنوان برجسته‌ترین حامیان آن بنیان نهاده شد (استولتو وینبلد، ۲۰۰۹).

¹-Stolt & Winblad.

²-Neo-liberal.

³-Privatization.

⁴-New Public Management. (NPM).

⁵-Megginson & Netter.

⁶-AlHussaini & Molz.

در حالی که بعد از کشورهای صنعتی، در برخی از کشورهای در حال توسعه نیز سیاست خصوصی‌سازی مورد توجه قرار گرفته بود، کشورهای سوسیالیستی هم سیاست‌های دولت‌گرایانه خود را کنار گذاشته و زمینه را برای کاهش دخالت دولت و انگیزه را برای ورود بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی فراهم آوردند. بدین ترتیب از اواسط دهه ۱۹۸۰ سیاست خصوصی‌سازی به عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های تعدیل اقتصادی پذیرفته شد (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷). فرو ریختن دیوار برلین و تغییر دیدگاه عمومی که در اروپای شرقی و جماهیر شوروی سابق اتفاق افتاد، جهش قابل توجهی در این حرکت ایجاد کرد. این مکتب جدید اقتصادی، مشروعیت درآمد را تغییر داد، سازوکاری برای متبلور ساختن پایان کنترل اقتصاد کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی سابق گردید و درمانی برای ناکارآمدی بخش دولتی گذشته و خط بطلانی بر کنترل رهبران جامعه در اقتصادهای غربی شناخته شد. صندوق بین‌المللی پول^۱ و بانک جهانی نیز حمایت‌ها و تنظیم برنامه‌هایشان را معطوف به نظریه‌های جدید نولیبرال نمودند (الحسینی و مولز، ۲۰۰۹).

تجربه خصوصی‌سازی در ایران

پیشینه خصوصی‌سازی در ایران به قبل از انقلاب و سال ۱۳۵۴ باز می‌گردد (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷)، اما آغاز مدرنیته در ایران را می‌توان آنچه «نوسازی رضاخانی» نامیده می‌شود، دانست. پهلوی اول (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴) با اصرار بر ناسیونالیسم لیبرالی در عرصه اقتصاد و فرهنگ، الگوهای رشد سرمایه‌داری غربی را با اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترویج، تقویت و نهادینه کرد (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۳). اولین گام در برنامه‌ریزی اقتصادی در سال ۱۳۱۶، به منظور اصلاح و بهبود وضع اقتصادی کشور با تهیه برنامه‌های اقتصادی برداشته شد (سعیدی، ۱۳۸۷). این روند در دوران پهلوی دوم با اجرای برنامه‌های عمرانی ادامه یافت. در برخی از این برنامه‌ها (برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم، ۱۳۵۷-۱۳۴۷) و همزمان با اوج‌گیری نهضت‌های سوسیالیستی در دنیا، مفاهیم

^۱-International Monetary Fund (IMF).

توزیع عادلانه درآمدها و ارزش‌های عدالت‌خواهانه و مشارکت‌جویانه مورد توجه قرار گرفت، اما از آنجا که سیاست‌گذاری در ایران تابع درآمدهای نفتی بود، الگوی توسعه وابسته به بدترین و ساده‌ترین شکل آن که صدور نفت، افزایش واردات و رواج مصرف‌گرایی بود، برای جامعه ایرانی به ارمغان آورده شد (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵).

با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ و بازتعریف ارزش‌ها و مفاهیم دینی که موجب تحولات ارزشی گردید، مفهوم سیاست‌گذاری بیش از پیش تحت تأثیر جنبه‌های ارزشی و ایدئولوژیکی قرار گرفت. مطالبات مردم و تأثیر ارزش‌های دینی از یک سو و ارزش‌های اجتماعی ناشی از فرآیند جنبش‌های عدالت‌خواهانه و سوسیالیستی دهه ۱۹۷۰ از سوی دیگر موجب ابهام زیادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی شد که ارائه هرگونه برنامه منظم و منسجم را با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌ساخت. شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و سیاست‌های انقباضی دوران جنگ نیز به رشد این تفکر کمک کرد (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ قانون خاصی که فرآیند خصوصی‌سازی را متحول نماید، تصویب نگردید (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷، ص. ۲۷۲). اما پس از جنگ، بازسازی اقتصادی کشور، مهم‌ترین اولویت اجتماعی-سیاسی کشور به شمار می‌آمد. بنابراین برنامه اول توسعه با محوریت رشد اقتصادی هدف‌گذاری شد و برای دستیابی به آن، سیاست‌هایی چون آزادسازی اقتصاد و خصوصی‌سازی را در دستور کار خود قرار داد (سعیدی، ۱۳۸۷).

برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) با همان نگرش، اصطلاحات اقتصادی را بدون توجه کافی به پیش‌نیازهای لازم برای گذار به سوی اقتصاد بازار در دستور کار خود قرار داد و سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی را در بخش‌های پولی و نیز در بخش اقتصاد خارجی دنبال نمود. اما عدم تحقق سیاست‌های برنامه اول و فشارهای اقتصادی ناشی از افزایش قیمت‌ها، کاهش نخایر ارزی و افزایش بدهی‌های خارجی موجب شد علی‌رغم اهداف سیاست‌های برنامه دوم، دولت در عمل سیاست‌های تثبیت اقتصادی را به مرحله اجرا بگذارد (سعیدی، ۱۳۸۷).

برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) آزادسازی اقتصادی را با گستردگی بیشتری دنبال می‌کرد و با سیاست تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی و نگاه اجتماعی به مسائل اقتصادی در داخل (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۵) به دنبال ایجاد ارتباط بین حوزه‌های سیاست داخلی، اصلاحات اقتصادی، سیاست‌های فرهنگی و سیاست خارجی بوده و به جای تمرکز بر منابع دولتی، به اصلاح سازوکارها، قوانین و مقررات حقوقی و اقتصادی توجه داشت (سعیدی، ۱۳۸۷) و ایجاد یک سازمان مستقل و متولی برای واگذاری سهام شرکت‌های دولتی را پیش‌بینی نموده بود. سازمان خصوصی‌سازی در خردادماه سال ۱۳۸۰ تشکیل گردید (صفارزاده پاریزی، ۱۳۸۱) و با محوریت متمرکز این سازمان دور جدیدی در برنامه خصوصی‌سازی ایران آغاز گردید (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۷).

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با مرور ادبیات خصوصی‌سازی و بررسی آن در ایران به دنبال کشف نگرش افراد در مورد خصوصی‌سازی می‌باشد. در این پژوهش پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شوند:

۱. افراد در خصوص سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی چگونه می‌اندیشند و ادراک و برداشت آن‌ها درباره این سیاست‌ها چه می‌باشد؟
۲. آیا الگوی خاصی برای شناخت ذهنیت افراد وجود دارد؟ و در صورت وجود، ذهنیت افراد چگونه دسته‌بندی خواهد شد؟

روش‌شناسی پژوهش

چارچوب فلسفی این پژوهش از نوع پارادایم تفسیری- اثبات‌گرایی است و از لحاظ جهت‌گیری در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. شناسایی ذهنیت این پژوهش را به پارادایم تفسیری نزدیک می‌کند و به سبب بکارگیری روش تحلیل عاملی اکتشافی، این پژوهش به پارادایم اثبات‌گرایی نزدیک می‌شود که از راهبردهمبستگی استفاده می‌کند.

شیوه‌انجام این پژوهش از نوع ترکیبی است. در مراحل گردآوری نظرات از روش کیفی استفاده می‌کند و در مرحله کشف ذهنیت‌ها از رویکرد کمی بهره می‌برد (تحلیل عاملی اکتشافی). این پژوهش از حیث مکانی، پژوهشی کتابخانه‌ای-میدانی محسوب می‌شود، کتابخانه‌ای است زیرا داده‌های نظری لازم برای کشف ذهنیت، از مطالعه، بررسی و توسعه منابع موجود در زمینه خصوصی‌سازی به دست آمده است و به این دلیل میدانی می‌باشد، چون برای شناسایی ذهنیت داده‌های لازم از مشارکت‌کنندگان به صورت میدانی گردآوری شد.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری در واژه‌شناسی روش پژوهش به گروهی از افراد اطلاق می‌گردد که حداقل در یک ویژگی مشترک بوده و نتایج یک پژوهش به آن‌ها تعمیم داده می‌شود. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده کارکنان یکی از سازمان‌های دولتی با حدود ۱۱۰ نفر کارمند بوده است.^۱

نمونه آماری به افرادی اطلاق می‌شود که یک پژوهش بر روی آن‌ها به عنوان نمایندگان واقعی جامعه-انجام می‌شود. در روش‌شناسی کیو(روش مورد استفاده در این پژوهش) واژه‌های جامعه آماری و نمونه آماری دارای بار معنایی که در پژوهش‌های کمی مصطلح است نمی‌باشند. در این روش‌شناسی لازم نیست تا نمونه آماری به شکل تصادفی از جامعه آماری انتخاب شود، افراد به دلیل داشتن یک نظر خاص درباره موضوع مورد پژوهش به شکل کاملاً آگاهانه‌ای انتخاب می‌شوند. برواور (۱۹۹۹) تعداد مشارکت‌کنندگان را در روش‌شناسی کیو مرتبط با تعداد عبارات کیو دانسته و مطرح می‌کنند که تعداد مشارکت‌کنندگان می‌باید کمتر از تعداد عبارات کیو باشد، به همین دلیل در این پژوهش با توجه به تعداد عبارات کیو (۳۹ عبارت)، تعداد نمونه منتخب ۳۴ انتخاب شده است.

روایی و پایایی

به واسطه جنبه‌های کیفی روش‌شناسی کیو، روایی به صورت متفاوتی با روش‌های پژوهش کمی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. (والنتا، ۱۹۹۷) روایی در پژوهش‌های کمی

۱- با توجه به حساسیت حراست سازمان مورد بررسی در خصوص انعکاس نیافتن نام سازمان در مقاله، از ذکر نام آن در پژوهش خودداری شده است.

هنگامی مطرح است که یک سازه و یا متغیر پنهان مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. از آنجا که روش کیو در پی اندازه‌گیری هیچ سازه‌ای نیست، روایی محتوا در نمونه کیو (مجموعه عبارات کیو) به جامعیت در گردآوری عبارات از منابع مختلف در موضوع مورد بررسی برمی‌گردد. اعتبار صوری واژه‌های عبارات کیو به وسیله رفع اشکالات ویرایشی، و یکدستی در فرم و اندازه امکان‌پذیر می‌باشد (والنتا، ۱۹۹۷). برای ایجاد روایی در پژوهش، نخست نمونه کیو با مرور ادبیات نظری و مصاحبه با تعدادی از مشارکت‌کنندگان جمع‌آوری گردید و پس از آن در اختیار تعدادی از اساتید گروه اقتصاد و تعدادی از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و بعد از گردآوری نظرات و ابهامات آن‌ها در باره گزاره‌ها، پرسشنامه پژوهش نهایی شد.

پایایی در روش‌شناسی کیو به وسیله ابزارهای متعددی قابل اندازه‌گیری می‌باشد. یکی از این ابزارها آزمون-آزمون مجدد می‌باشد (براون، ۱۹۸۶ به نقل از امین ۲۰۰۰). برای آزمون پایایی از این روش استفاده شده است. بیست درصد از افراد نمونه مورد آزمون-آزمون دوباره قرار گرفتند و ضریب همبستگی به دست آمده، عدد ۸۲ درصد را نشان می‌دهد که نشانگر سطح بالایی از پایایی است.

معرفی روش‌شناسی کیو:

همان گونه که پیش از این نیز عنوان گردید، در این مطالعه برای شناسایی ذهنیت شهروندان و پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، از روش‌شناسی کیو استفاده شده است. ویلیام استیونسون^۱ در سال ۱۹۳۵ روش‌شناسی کیو^۲ را به عنوان روشی برای شناسایی ذهنیت افراد، مطرح کرد (بارکر^۳، ۲۰۰۸). این روش ابزاری توانا برای درک آسان ارزش‌ها، سلیقه‌ها، نگرانی‌ها و دیدگاه‌های فردی است (استیلمن و مگواری^۴، ۱۹۹۹) که بر پایه تحلیل آماری در هر موقعیتی، ذهنیت افراد را کشف و الگوها و اشتراک نظرها را آشکار می‌سازد و افرادی که دارای رفتار مشترک هستند را شناسایی می‌کند (ریچ، ۲۰۰۷). این روش را پیوند روش‌های کیفی و کمی می‌دانند،

^۱-William Stephenson

^۲-Q-methodology

^۳-Barker

^۴-Steelman & Maguire

زیرا از سویی نتایج از طریق تحلیل عاملی که روشی کمی است، حاصل می‌شود و از دیگر سو مانند روش‌های پژوهش کیفی بایستی تعداد کمی از مشارکت‌کنندگان را به شکلی هدفمند انتخاب نمود (پراون^۱، ۱۹۹۶).

برخی مراحل انجام روش کیو را به پنج مرحله و برخی به دو مرحله دسته‌بندی کرده‌اند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶). در پژوهش جاری از فرآیندی ۵ مرحله‌ای استفاده شده است. تولید مجموعه عبارات (گزاره‌های) کیو^۲، انتخاب مجموعه مشارکت‌کنندگان^۳، گردآوری داده‌های مرتب شده کیو^۴، انجام همبستگی و تحلیل عاملیو تفسیر عامل‌ها از جمله پنج مرحله پژوهش هستند.

الف) مجموعه عبارات کیو: در این پژوهش تلاش گردیده تا تمامی نظرات مکتوب و غیر مکتوب در باره سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ از طریق مرور ادبیات نظری و گفتگو با صاحب نظران و اقشار مختلف در داخل جامعه گردآوری شود که حاصل آن تهیه ۳۹ گزاره بود که در جدول ۱ دیده می‌شود.

جدول ۱: نمونه کیو در پژوهش حاضر

گزاره‌های نمونه کیو	
۱	خصوصی‌سازی موجب جذب سرمایه‌های داخلی و به جریان انداختن آن‌ها در مسیر تولید شده و مالکیت در سطح عمومی را افزایش داده است.
۲	سیاست خصوصی‌سازی موجب کوچک شدن دولت و کاهش تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی شده است.
۳	سیاست‌های خصوصی‌سازی در ایران موجب کسب درآمد مالی برای دولت شده است.
۴	خصوصی‌سازی باعث حذف هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی از بودجه عمومی دولت شده و بستری برای پرداختن دولت به امور مهم‌تر فراهم آورده است.
۵	خصوصی‌سازی از طریق اصلاح اقتصاد و نظام اداری کشور باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شده است.
۶	خصوصی‌سازی در ایران موجب حذف انحصار دولتی موجود و گسترش رقابت شده است.
۷	خصوصی‌سازی در ایران موجب افزایش اشتغال‌زایی شده است.
۸	خصوصی‌سازی در ایران موجب کاهش هزینه‌های جاری شرکت‌های واگذاری شده است.
۹	خصوصی‌سازی در ایران شتاب رشد اقتصاد ملی را افزایش داده است.
۱۰	خصوصی‌سازی در ایران موجب ارتقاء کارایی بنگاه‌ها و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فن‌آوری شده است.
۱۱	خصوصی‌سازی موجب افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در امور اقتصادی و تصمیم‌گیری شده است.
۱۲	خصوصی‌سازی موجب تخصیص مطلوب‌تر منابع بر اساس عملکرد بازار و افزایش کارایی تخصیصی شده است.
۱۳	خصوصی‌سازی باعث بهبود اوضاع و به سودرسانی سازمان‌هایی شده که خصوصی شده‌اند.

^۱-Brown

^۲-Q- items

^۳-Selecting the P (participant) set

^۴-Collecting Q sort Data

گزاره‌های نمونه کیو	
۱۴	خصوصی‌سازی با حضور جدی بخش خصوصی و تعاونی‌ها روند خوبی دارد.
۱۵	برنامه‌ریزی دقیق و استراتژی مشخصی برای خصوصی‌سازی وجود دارد.
۱۶	مدیریت واحد و صحیحی برای خصوصی‌سازی در ایران وجود دارد.
۱۷	سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ باید بعد از پایان جنگ تحمیلی آغاز می‌شد.
۱۸	سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ در بخش واگذاری در قالب سهام عدالت موفق عمل کرده است ولی به بقیه بندهای آن به همان اندازه توجه نشده است.
۱۹	خصوصی‌سازی پس از مطالعه دقیق در مورد توانایی بخش خصوصی و امکانات مالی و مدیریتی انجام می‌شود.
۲۰	تیمی کارآموده مسئولیت قیمت‌گذاری واحدهایی که بایستی به بخش خصوصی منتقل شوند را به عهده دارند.
۲۱	سرمایه‌گذاری‌های گسترده دولت در بخش‌های تصدی و رقابتی اقتصاد تأثیر خصوصی‌سازی را خنثی می‌سازد.
۲۲	عدم تغییر ساختار شرکت‌های واگذاری شده و وجود هزینه‌های بالای تولید آن‌ها موجب عدم رغبت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری شده است.
۲۳	به دلیل عدم اصلاح ساختار مالی و بازار سرمایه و فضای کسب و کار و نوسانات قیمت سهام، اطمینان برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی وجود ندارد.
۲۴	خصوصی‌سازی برای حذف انحصار دولتی انجام شد ولی وجود چند شبکه مالی بانکی دولتی موجب ایجاد انحصار دولتی از نوع دیگر شده است.
۲۵	خصوصی‌سازی با انتقال مدیریت به بخش خصوصی قابل انجام است و واگذاری مالکیت، خصوصی‌سازی نیست.
۲۶	در اجرای خصوصی‌سازی در ایران، رانت‌خواران، شرکت‌های سودآور و شرکت‌هایی که با قیمتی چند برابر کمتر از قیمت واقعی‌شان واگذار شده‌اند را تصاحب کرده‌اند.
۲۷	به دلیل عدم تمایل دولت و مدیران برای از دست دادن قدرت اقتصادیشان، خصوصی‌سازی روند بسیار کندی دارد.
۲۸	نگاه منفی به سیاست‌های خصوصی‌سازی ناشی از عدم آگاهی به دلیل عدم اطلاع‌رسانی صحیح می‌باشد.
۲۹	خصوصی‌سازی به عنوان یکی از مؤلفه‌های انتقال وضعیت از یک اقتصاد دولتی به یک اقتصاد بازار به دنبال شکست اقتصاد دولتی در ایران اجرا می‌شود.
۳۰	اجرای سمت خصوصی‌سازی، انبوهی از واحدهای اقتصادی دولتی کوچک و متوسط به حاشیه امن رانده شدند.
۳۱	یکی از مشکلات مهم، نگرش به سیاست‌های اصل ۴۴ به عنوان هدف است و نه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف اصلی (افزایش کارایی دولت و کاهش تصدی‌گری)
۳۲	سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ بدون سرمایه‌گذاری خارجی موفق نخواهد بود.
۳۳	مشکل خصوصی‌سازی در ایران جامع نبودن قوانین و مقررات مربوط به آن است که موجب سردرگمی و عدم اطمینان بخش خصوصی شده است.
۳۴	یکی از دلایل شکست خصوصی‌سازی در ایران موانع فرهنگی و مقاومت‌های نهادی و ارزشی در مقابل آن است.
۳۵	از آنجایی که خصوصی‌سازی باعث رشد سرمایه‌داری می‌شود که نتیجه آن افزایش توزیع نامتوازن ثروت و فشار بر طبقات محروم جامعه خواهد بود نایبستی انجام شود.
۳۶	خصوصی‌سازی با قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب مغایرت دارد و نباید انجام شود.
۳۷	خصوصی‌سازی موجب افزایش قیمت تولیدات و خدمات اساسی در جامعه می‌شود و نباید انجام شود.
۳۸	خصوصی‌سازی به نوعی بخشیدن گنجینه‌های ملی به گروهی خاص است و نباید اجرا شود.
۳۹	به دلیل شکست خصوصی‌سازی در مسایل اجتماعی کشورهایی که مبادرت به انجام آن کرده‌اند نباید اجرا شود.

ب) انتخاب مجموعه مشارکت‌کنندگان: پژوهش حاضر از ۳۴ مشارکت‌کننده استفاده نموده که به دو روش «نمونه در دسترس» و «نمونه‌گیری هدفمند» انتخاب شده‌اند.
 ج) گردآوری داده‌های مرتب شده کیو: برای دسته‌بندی، یک نمودار کیو برای ۳۹ عبارت پژوهش به گونه‌ای تنظیم گردید که بتواند مجموعه عبارات را در یک توزیع نسبتاً نرمال از موافقت (+۴) تا مخالفت (-۴) رتبه بندی کند (شکل ۱). برای راحتی بیشتر مشارکت‌کنندگان از نرم افزار فلش کیو^۱ در این پژوهش استفاده شده است.

شکل ۱: توزیع دسته‌بندی آیت‌های کیو (نمودار کیو)

-۴	-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳	+۴
کاملاً مخالف			بی نظر			کاملاً موافق		

یافته‌های پژوهش

سیمای مشارکت‌کنندگان

از نظر جنسیت ۸۲/۲ درصد از مشارکت‌کنندگان را آقایان و ۱۷/۸ درصد را خانم‌ها تشکیل می‌دادند. ۷۳/۵ درصد مشارکت‌کنندگان در محدوده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال و ۲۶/۵ درصد در محدوده سنی ۴۰ تا ۵۵ سال قرار داشتند. بررسی تحصیلات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که ۲/۹ درصد دارای مدرک دیپلم، ۳۸/۳ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس، ۵۵/۹ درصد مدرک فوق لیسانس و بالاتر داشته‌اند و ۲/۹ درصد نیز سطح تحصیلات خود را مشخص نکرده بودند. زمینه تحصیلی افرادی که مدارک دانشگاهی داشتند به شکل ۵۶/۲۵ درصد در زمینه علوم پایه، فنی و مهندسی، ۴۰/۶۵ درصد در علوم انسانی، ۳/۱ درصد در هنر متغیر بود. جدول ۲ وضعیت این متغیرهای جمعیت‌شناسی را نشان می‌دهد.

^۱-FlashQ

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	بعد	درصد
جنسیت	خانم	۱۷/۸
	آقا	۸۲/۲
تحصیلات	دیپلم	۲/۹
	فوق دیپلم و لیسانس	۳۸/۳
	فوق لیسانس و بالاتر	۵۲/۹
	نامشخص	۲/۹
زمینه تحصیلی	علوم پایه و مهندسی	۵۶/۲۵
	علوم انسانی	۴/۲
	هنر	۷/۵

در جدول ۳ وضعیت هر یک از گزاره‌های کیو در نگاه مشارکت‌کنندگان آورده شده است. منفی بودن میانگین به مفهوم مخالفت پاسخگویان و مثبت بودن آن به مفهوم موافقت پاسخگویان با گزینه مورد نظر است.

جدول ۳: وضعیت پاسخ‌گویی مشارکت‌کنندگان به گزاره‌های پژوهش

انحراف معیار	میانگین	گزاره‌های نمونه کیو
۱/۴۷	-۰/۱۸	۱ خصوصی‌سازی موجب جذب سرمایه‌های داخلی و به جریان انداختن آن‌ها در مسیر تولید شده و مالکیت در سطح عمومی را افزایش داده است.
۱/۶۱	-۰/۳۵	۲ سیاست خصوصی‌سازی در ایران موجب کوچک شدن دولت و کاهش تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی شده است.
۱/۶۰	۱/۵۲	۳ سیاست‌های خصوصی‌سازی موجب کسب درآمد مالی برای دولت شده است.
۱/۵۸	۰/۲۴	۴ خصوصی‌سازی باعث حذف هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی از بودجه عمومی شده و بستری برای پرداختن دولت به امور مهم‌تر را فراهم می‌آورد.
۱/۵۹	-۰/۶۵	۵ خصوصی‌سازی از طریق اصلاح اقتصاد و نظام اداری کشور باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شده است.
۱/۶۳	-۰/۱۸۸	۶ خصوصی‌سازی موجب حذف انحصار دولتی موجود و گسترش رقابت شده است.
۱/۰۹	-۱/۱۵	۷ خصوصی‌سازی در ایران موجب افزایش اشتغال‌زایی شده است.
۱/۴۰	-۰/۰۳	۸ خصوصی‌سازی موجب کاهش هزینه‌های جاری شرکت‌های واگذاری شده است.
۱/۵۶	-۰/۹۴	۹ خصوصی‌سازی در ایران شتاب رشد اقتصاد ملی را افزایش داده است.
۱/۷۲	-۱/۰۰	۱۰ خصوصی‌سازی موجب ارتقاء کارایی بنگاه‌ها و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فن‌آوری شده است.

میانگین	انحراف معیار	گزاره‌های نمونه کیو
-۰/۶۵	۱/۳۰	۱۱ خصوصی‌سازی در ایران موجب افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در امور اقتصادی و تصمیم‌گیری شده است.
-۰/۱۲	۱/۷۴	۱۲ خصوصی‌سازی موجب تخصیص مطلوب‌تر منابع کشور بر اساس عملکرد بازار و افزایش کارایی تخصیصی شده است.
-۰/۷۱	۲/۲۰	۱۳ خصوصی‌سازی باعث بهبود اوضاع و به سود رسانی سازمان‌هایی شده که خصوصی شده‌اند.
-۱/۱۲	۱/۹۷	۱۴ خصوصی‌سازی با حضور جدی بخش خصوصی و تعاونی‌ها روند خوبی دارد.
-۱/۷۴	۱/۸۰	۱۵ برنامه‌ریزی دقیق و استراتژی مشخصی برای خصوصی‌سازی وجود دارد.
-۱/۵۶	۱/۸۵	۱۶ مدیریت واحد و صحیحی برای خصوصی‌سازی در ایران وجود دارد.
-۰/۴۴	۱/۶۰	۱۷ سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ باید بعد از پایان جنگ تحمیلی آغاز می‌شد.
-۰/۰۰	۱/۰۶	۱۸ سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ در بخش واگذاری در قالب سهام عدالت موفق عمل کرده است ولی به بقیه بندهای آن به همان اندازه توجه نشده است.
-۱/۲۱	۱/۷۰	۱۹ خصوصی‌سازی پس از مطالعه دقیق و کامل در مورد توانایی بخش خصوصی و امکانات مالی و مدیریتی آنان انجام می‌شود.
-۰/۹۴	۱/۴۸	۲۰ تیمی کار آزموده مسئولیت قیمت‌گذاری واحدهایی که بایستی به بخش خصوصی منتقل شوند را به عهده دارند.
۱/۶۵	۱/۱۲	۲۱ سرمایه‌گذاری‌های گسترده و مجدد دولت در بخش‌های تصدی و رقابتی اقتصاد تأثیر خصوصی‌سازی را خنثی می‌سازد.
۱/۸۸	۱/۵۱	۲۲ عدم تغییر ساختار شرکت‌های واگذاری شده و وجود هزینه‌های بالای تولید آن‌ها موجب عدم رغبت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری شده است.
۱/۹۱	۱/۹۴	۲۳ به دلیل عدم اصلاح ساختار مالی و بازار سرمایه و فضای کسب و کار و نوسانات قیمت سهام، اطمینان برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی وجود ندارد.
۱/۸۲	۱/۰۸	۲۴ خصوصی‌سازی برای حذف انحصار دولتی انجام شد ولی وجود چند شبکه مالی بانکی دولتی موجب ایجاد انحصار دولتی از نوع دیگر شده است.
۱/۴۴	۱/۹۷	۲۵ خصوصی‌سازی با انتقال مدیریت به بخش خصوصی قابل انجام است و واگذاری مالکیت، خصوصی‌سازی نیست.
۱/۴۴	۱/۰۲	۲۶ در اجرای خصوصی‌سازی در ایران، رانت‌خواران، شرکت‌های سودآور و شرکت‌هایی که با قیمتی چند برابر کمتر از قیمت واقعی‌شان واگذار شده‌اند را تصاحب کرده‌اند.
۱/۴۶	۱/۴۴	۲۷ به دلیل عدم تمایل دولت و مدیران برای از دست دادن قدرت اقتصادیشان، خصوصی‌سازی روند بسیار کندی دارد.
-۰/۵۹	۱/۰۰	۲۸ نگاه منفی به سیاست‌های خصوصی‌سازی ناشی از عدم آگاهی به دلیل عدم اطلاع‌رسانی صحیح می‌باشد.
-۰/۶۸	۱/۵۹	۲۹ خصوصی‌سازی به عنوان یکی از مؤلفه‌های انتقال وضعیت از یک اقتصاد دولتی به یک اقتصاد بازار به دنبال شکست اقتصاد دولتی در ایران اجرا می‌شود.
-۰/۰۹	۱/۳۳	۳۰ با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، انبوهی از واحدهای اقتصادی دولتی کوچک و متوسط به حاشیه‌امن رانده می‌شود.
۱/۵۹	۱/۶۵	۳۱ یکی از مشکلات مهم، نگرش به سیاست‌های اصل ۴۴ به عنوان هدف است و نه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف اصلی (افزایش کارایی دولت و کاهش تصدی‌گری)

انحراف معیار	میانگین	گزاره‌های نمونه کیو
۱/۷۱	۱/۵۳	۳۲ سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ بدون سرمایه‌گذاری خارجی موفق نخواهد بود.
۱/۶۲	۲/۱۸	۳۳ مشکل خصوصی‌سازی در ایران جامع نبودن قوانین و مقررات مربوط به آن است که موجب سردرگمی و عدم اطمینان بخش خصوصی شده است.
۱/۹۶	۰/۵۳	۳۴ یکی از دلایل شکست خصوصی‌سازی در ایران موانع فرهنگی و مقاومت‌های نهادی و ارزشی در مقابل آن است.
۱/۷۸	-۱/۵۹	۳۵ خصوصی‌سازی باعث رشد سرمایه‌داری می‌شود که نتیجه آن افزایش توزیع نامتوازن ثروت و فشار بر طبقات محروم جامعه خواهد بود ناپیوستی انجام شود.
۱/۷۵	-۱/۸۸	۳۶ خصوصی‌سازی با قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب مغایرت دارد و نباید انجام شود.
۱/۶۰	-۱/۵۳	۳۷ خصوصی‌سازی موجب افزایش قیمت تولیدات و خدمات اساسی در جامعه می‌شود و نباید انجام شود.
۱/۶۷	-۱/۵۳	۳۸ خصوصی‌سازی بخشیدن گنجینه‌های ملی به گروهی خاص است و نباید اجرا شود.
۱/۲۵	-۱/۲۱	۳۹ به دلیل شکست خصوصی‌سازی در مسایل اجتماعی کشورهایی که مبادرت به انجام آن کرده‌اند نباید اجرا شود.

شناسایی ذهنیت مشارکت‌کنندگان:

هر یک از مشارکت‌کنندگان بنا به منطق روش‌شناسی کیو، موافقت و مخالفت خود را بنا به توزیع کیو (شکل ۲) نسبت به گزاره‌ها نشان می‌دهند. افرادی که میزان موافقت و یا مخالفت آن‌ها به هم نزدیک باشد دارای ذهنیت مشابهی خواهند بود. بنا به این هدف، بر خلاف روش مرسوم تحلیل عاملی که تلاش دارد تا چند متغیر را در یک سازه پنهان قرار دهد، در روش‌شناسی کیو تلاش بر این است که با توجه به نزدیکی افراد، آن‌ها را در یک دسته قرار دهد.

یکی از خروجی‌های آزمون تحلیل عاملی اکتشافی ماتریسی است که به آن ماتریس بارهای عاملی چرخشی گفته می‌شود. این ماتریس دو پرسش مهم را پاسخ می‌دهد. نخست آنکه افراد در چند گروه قابل دسته‌بندی هستند و دوم اینکه هر فرد در کدام گروه قرار داشته و به چه افرادی نزدیک است. نتایج اجرای تحلیل عاملی اکتشافی در جدول ۴ آورده شده است. همچنان که این جدول نشان می‌دهد شهروندان مورد بررسی در هشت گروه قابل دسته‌بندی هستند. همچنین در این جدول مشخص است که چه افرادی در هر گروه قرار دارند.

جدول ۴: ماتریس بارهای عاملی چرخشی درباره ذهنیت‌های شناسایی شده

مشارکت کنندگان	ذهنیت‌ها							
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	0.297	0.113	-0.023	0.682	0.383	-0.142	0.027	0.173
۲	0.469	0.363	-0.031	0.337	0.301	0.400	0.072	-0.160
۳	0.152	0.130	0.203	0.127	0.751	0.103	0.128	-0.027
۴	0.454	0.202	0.222	0.195	0.326	0.530	-0.049	-0.192
۵	-0.088	0.002	0.328	-0.197	0.304	0.246	0.173	0.623
۶	0.505	0.163	-0.049	0.463	0.260	0.408	0.090	-0.019
۷	0.445	0.118	0.079	0.089	0.606	-0.004	0.249	0.094
۸	0.360	0.550	-0.064	0.156	0.414	0.097	0.020	-0.072
۹	0.229	0.818	-0.038	0.167	0.142	-0.097	0.186	0.006
۱۰	0.333	0.503	0.094	-0.096	0.218	0.388	0.476	0.181
۱۱	0.614	0.316	0.299	-0.114	0.106	0.289	0.304	0.259
۱۲	0.092	-0.318	0.750	0.069	0.115	0.086	0.318	-0.024
۱۳	0.722	-0.007	-0.273	0.075	0.289	0.170	0.110	-0.045
۱۴	0.699	0.213	0.276	-0.031	0.296	0.082	0.008	-0.101
۱۵	0.072	-0.025	0.019	0.164	-0.089	-0.11	-0.119	0.854
۱۶	-0.052	0.078	0.080	0.148	0.210	-0.057	0.785	-0.177
۱۷	-0.124	-0.024	0.038	0.054	0.012	0.873	-0.028	0.052
۱۸	0.197	0.155	0.062	0.796	-0.010	0.236	0.042	-0.004
۱۹	0.886	0.179	-0.038	0.099	-0.038	-0.020	-0.071	0.068
۲۰	0.843	0.212	-0.038	0.138	0.203	0.108	-0.033	-0.072
۲۱	0.643	0.365	0.203	0.262	0.084	-0.051	0.157	0.147
۲۲	0.251	0.461	0.234	0.170	0.461	0.290	-0.098	0.264
۲۳	0.211	0.270	0.782	0.059	0.170	-0.041	0.031	0.049
۲۴	0.734	0.277	0.084	0.218	0.104	-0.148	-0.124	-0.243
۲۵	0.782	0.175	0.263	0.273	0.018	0.053	0.081	0.091
۲۶	-0.077	0.359	0.567	-0.045	0.036	0.185	0.010	0.391
۲۷	0.548	0.145	0.136	0.343	0.156	0.214	0.498	-0.017
۲۸	0.613	0.197	-0.044	0.217	0.134	0.306	0.248	-0.213
۲۹	0.377	0.602	0.290	0.255	-0.011	0.367	0.109	0.012
۳۰	0.528	0.643	0.229	0.090	0.049	0.040	-0.128	-0.067
۳۱	0.835	0.092	0.080	0.097	0.055	0.016	-0.102	0.164
۳۲	0.499	-0.019	-0.235	0.152	0.104	0.052	-0.677	-0.220
۳۳	0.602	0.348	0.203	0.437	0.153	-0.102	0.205	-0.105
۳۴	0.786	0.079	0.087	0.089	0.267	-0.092	-0.227	-0.094

تفسیر گروه‌های شناسایی شده

حال پرسشی که با آن روبرو هستیم آن است که این گروه‌های هشت‌گانه شناسایی شده، دارای چه نقاط تفاوت و افتراقی هستند؟ این پرسش در آزمون تحلیل عاملی اکتشافی از طریق محاسبه آرایه‌های امتیازی قابل پاسخ است. با مرتب‌سازی آرایه‌های امتیازی در هر گروه (عامل)، گزاره‌هایی که در هر گروه مورد موافقت یا مخالفت بیشتری قرار گرفته‌اند، تعیین می‌گردد. نتیجه این مرحله در جدول ۵ نشان داده شده است. به عنوان مثال بنا به نتایج به دست آمده، گروه نخست با آیتم‌های ۳۳ (مشکل خصوصی سازی در ایران جامع نبودن قوانین و مقررات مربوط به آن است

که موجب سردرگمی و عدم اطمینان بخش خصوصی شده است)، ۲۴ (خصوصی‌سازی برای حذف انحصار دولتی انجام شد ولی وجود چند شبکه مالی بانکی دولتی موجب ایجاد انحصار دولتی از نوع دیگر شده است)، ۱۸ (سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ در بخش واگذاری در قالب سهام عدالت موفق عمل کرده است ولی به بقیه بندهای آن به همان اندازه توجه نشده است)، و ۲۵ (خصوصی‌سازی با انتقال مدیریت به بخش خصوصی به اهداف خود می‌رسد و واگذاری مالکیت، خصوصی‌سازی نیست) بیشترین موافقت را داشته و در باره آیت‌های ۶ (خصوصی‌سازی موجب حذف انحصار دولتی موجود و گسترش رقابت شده است)، ۱۴ (خصوصی‌سازی با حضور جدی بخش خصوصی و تعاونی‌ها روند خوبی دارد)، ۱۵ (برنامه‌ریزی دقیق و استراتژی مشخصی برای خصوصی‌سازی وجود دارد) و ۱۹ (خصوصی‌سازی پس از مطالعه دقیق و کامل در مورد توانایی بخش خصوصی و امکانات مالی و مدیریتی آنان انجام می‌شود) بیشترین مخالفت را داشته‌اند. جدول شماره ۵ نشان‌دهنده آیت‌های مورد موافقت و یا مخالفت هر یک از گروه‌های هشت‌گانه است.

شکل ۱: مهم‌ترین گزاره‌های موافقت و مخالفت هر یک از ذهنیت‌های شناسایی شده

مهم ترین گزاره های مخالفت				مهم ترین گزاره های موافقت				
6	19	14	15	25	18	24	33	ذهنیت ۱
16	36	13	18	23	15	31	24	ذهنیت ۲
16	15	32	34	27	17	33	7	ذهنیت ۳
9	11	28	24	27	33	23	3	ذهنیت ۴
34	35	39	7	27	3	28	26	ذهنیت ۵
29	35	16	28	27	20	24	12	ذهنیت ۶
35	36	2	38	27	16	18	25	ذهنیت ۷
26	19	24	2	27	32	28	13	ذهنیت ۸

مأخذ: محاسبات تحقیق با نرم‌افزار SPSS

با توجه به محتوای گزاره‌های مورد موافقت و مخالفت هر یک از هشت گروه (محتوی گزاره‌های مورد اشاره در جدول ۵، در جدول ۳ به صورت کامل آورده شده است)، گروه‌های شناسایی شده را می‌توان در دو دسته کلی دسته‌بندی کرد. در دسته نخست، گروه‌هایی قرار دارند که از زاویه اقتصادی به اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی

داشته و در دسته دیگر، گروه‌هایی قرار دارند که از دریچه رضایت سیاسی خود از حاکمیت به تفسیر سیاست‌های خصوصی‌سازی پرداخته‌اند. شکل شماره ۲ این دسته‌بندی‌ها را نشان می‌دهد. هر یک از این گروه‌ها در ادامه توضیح داده خواهند شد.

شکل ۲: الگوی ذهنیتی شناسایی شده

رویکرد اقتصادی	رویکرد سیاسی
گروه ۷ طرفداران مکتب لیبرال	گروه ۶ رضایتمندان سیاسی
گروه ۵ طرفداران مکتب لیبرال با انتقاد سیاسی	گروه ۸ رضایتمندان سیاسی با انتقاد اقتصادی
گروه ۲ منتقدین اقتصادی ملایم	گروه ۳ منتقدین سیاسی ملایم
گروه ۱ ناراضیان اقتصادی رادیکال	گروه ۴ ناراضیان سیاسی رادیکال

۱. گروه یک (ناراضیان اقتصادی رادیکال): نظرات مشترک افراد این گروه نشان می‌دهد افراد این گروه، فعالیت‌های انجام شده را خصوصی‌سازی نمی‌دانند. افراد این گروه بر این باورند که در موقعیت فعلی که کشور به لحاظ برنامه‌ریزی و قوانین دچار نقصان و کمبود است و بخش خصوصی در بیشتر موارد، اطمینان کافی برای سرمایه‌گذاری ندارد، انجام خصوصی‌سازی را امکان‌پذیر نمی‌دانند. این افراد نسبت به سیاست‌های اقتصادی کشور به شدت انتقاد داشته و از آن ناراضی هستند.

۲. گروه دو (منتقدین اقتصادی ملایم): این گروه نظراتی نزدیک به گروه اول دارند، با این تفاوت که عدم وجود برنامه‌ریزی را مشکل اساسی ندانسته و انجام خصوصی‌سازی را در مواردی قبول دارند. در کل این گروه نیز انتقادهایی هرچند کمتر از گروه اول به سیاست‌های اقتصادی دارد ولی این انتقادات رادیکال نبوده و معتقد به انجام فعالیت‌هایی در زمینه خصوصی‌سازی می‌باشند.

۳. گروه سه (منتقدین سیاسی ملایم): این گروه با تأکید بر عدم وجود برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در کشور، موانع را در قوانین و مقررات لازم برای جلب اطمینان

بخش خصوصی و عدم رغبت ذینفعان کنونی برای انجام خصوصی‌سازی دانسته و چارچوب‌های سیاسی حاکم را برای اجرای خصوصی‌سازی را آماده نمی‌دانند.

۴. گروه چهار (ناراضیان سیاسی رادیکال): سطح تحصیلات این گروه بالاتر از لیسانس می‌باشد. افرادی این گروه تنها هدف از انجام خصوصی‌سازی در ایران را کسب درآمد برای دولت می‌دانند و علاوه بر اینکه بر عدم اطمینان بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری به دلایل ایجاد نشدن فضای مناسب و عدم وجود قوانین لازم تأکید دارند، ساختار سیاسی حاکم را دارای تار و پودی می‌دانند که در آن خصوصی‌سازی به بار نخواهد نشست.

۵. گروه پنج (طرفداران مکتب لیبرال با انتقاد سیاسی): این گروه را می‌توان شامل افرادی دانست که دارای ذهنیتی هستند که تحت تأثیر دیدگاه لیبرالی بوده و با اعتقاد به اینکه خصوصی‌سازی می‌تواند اوضاع کشور را بهبود بخشد، با اجرای آن در هر شرایطی موافق هستند. این گروه با اینکه از نظام سیاسی کشور و روند اجرایی خصوصی‌سازی رضایت چندانی ندارند و بر وجود رانت‌خواری و کسب درآمد مالی برای دولت تأکید دارند، ولی بر این ایده پافشاری می‌کنند که حتی با همین سیستم ناسالم سیاسی، اجرای خصوصی‌سازی بهتر از اجرا نکردن آن است.

۶. گروه شش (رضایتمندان سیاسی): این گروه بر خلاف گروه پنج، چون نظام سیاسی کشور را پذیرفته است، سیاست‌های آن را نیز مثبت ارزیابی می‌کند. این گروه مشکلات اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی را در قسمت پایین هرم مدیریتی کشور می‌جوید و سیاست‌های دولت در این زمینه را درست می‌داند.

۷. گروه هفت (طرفداران مکتب لیبرال): نظرات این گروه به نظرات افراد گروه پنج بسیار نزدیک است. این گروه با انجام خصوصی‌سازی بسیار موافق است و این موافقت زیاد باعث شده که خصوصی‌سازی را در دستیابی به اهدافش در هر شرایطی موفق بداند. گروه هفت با اینکه انتقادهای کمی به سیاست‌های اقتصادی فعلی دارد، با ذهنیتی کاملاً لیبرالی معتقد به موفقیت خصوصی‌سازی در ایران است.

۸. گروه هشت (رضایتمندان سیاسی با انتقاد اقتصادی): افراد این گروه بر عدم وجود فساد اداری در کشور اتفاق نظر داشته و بهبود اوضاع سازمان‌هایی که خصوصی‌سازی شده‌اند را نیز قبول دارند و نگاه منفی به این مقوله را ناشی از عدم

آگاهی و اطلاع‌رسانی کم می‌دانند، اما لزوم سرمایه‌گذاری خارجی و عدم اطمینان بخش خصوصی ناشی از ضعف قوانین و مقررات را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین می‌توان اظهار داشت افراد این گروه هر چند ایراداتی به سیاست‌های اقتصادی دارند، دارای ذهنیتی مثبت به نظام سیاسی کشور هستند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش گردید تا ذهنیت افراد با توجه به نگرش آن‌ها به موضوع خصوصی‌سازی، مورد شناسایی قرار گیرد. برای این منظور از روش‌شناسی کیو استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهروندان مورد بررسی در باره سیاست‌های خصوصی‌سازی دارای ذهنیت متفاوتی بوده‌اند. این ذهنیت شناسایی گردید و آن‌ها در هشت گروه جداگانه طبقه‌بندی شدند.

نتایج نشان می‌دهد که ناراضیان از اوضاع اقتصادی و سیاسی (گروه‌های ۱ و ۴) هیچ موفقیتی برای خصوصی‌سازی را نپذیرفته و حتی انجام آن را مورد تردید قرار داده‌اند. ذهنیت گروه‌های ۲ و ۳ نشان می‌دهد که این افراد با وجود انتقاد ملایم‌تر نسبت به موضوع خصوصی‌سازی، انجام آن را در ایران دارای اشکال دانسته‌اند. گروه‌های ۵ و ۸ دو ذهنیت شناسایی شده دیگری بودند که در این پژوهش شناسایی گردید، گروه ۵، آن بخش از طرفداران مکتب لیبرال را نشان می‌دهد که انتقادهایی را به نظام سیاسی کشور وارد می‌داند و گروه ۸ نشانگر ذهنیتی است که با وجود رضایت سیاسی، به سیاست‌های اقتصادی کشور انتقاد دارند. گروه ۶ و ۷ به دلایل رضایت سیاسی و طرفداری از نظریه لیبرال، بیشترین میزان موفقیت برای خصوصی‌سازی را مد نظر قرار داده‌اند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد ذهنیت افراد تحت تأثیر دیدگاه سیاسی و اقتصادی آن‌ها قرار دارد. رضایت از چارچوب‌های سیاسی، شانس پذیرش مطلوب تلقی نمودن سیاست‌های خصوصی‌سازی را افزایش داده است و تمایل به اقتصاد لیبرالی باعث گردیده است تا شهروندان با رویکرد اقتصادی، ذهنیت خود را شکل دهند. با توجه به اینکه سیاست‌گذاری حاکمیت در بستری از پذیرش اجتماعی شهروندان شکل می‌گیرد،

نتایج این پژوهش کمک می‌نماید تا سیاست‌گذاران بتوانند متناسب با هر ذهنیت برنامه‌های اطلاع‌رسانی و اجرایی خود را در زمینه خصوصی‌سازی تنظیم کنند.

منابع و مأخذ

- ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر. (۱۳۸۵). فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایران. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲ (۵): ۲۱۳-۲۳۴.
- خوشگویان فرد، علیرضا. (۱۳۸۶). روش‌شناسی کیو. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی و عادل آذر. (۱۳۸۸). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار-اشراقی.
- سعیدی، پرویز. (۱۳۸۷). بررسی موانع و الزامات اجرایی پیش روی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. فصلنامه راهبرد یاس (۱۶): ۱۹۷-۲۱۸.
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. (۱۳۸۵). بازیابی از وبگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صفارزاده پاریزی، غلامرضا. (۱۳۸۱). خصوصی‌سازی و بررسی عملکرد آن در فاصله سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۰ در کشور. پژوهشنامه اقتصادی (۵): ۱۱۵-۱۳۴.
- طباطبایی یزدی، رویا و فرزانه مافی. (۱۳۸۶). روش‌های اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. راهبرد (۴۶): ۲۵۵-۳۰۴.
- قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴. (۱۳۸۷). بازیابی از وبگاه سازمان خصوصی‌سازی: <http://ipo.ir/index.aspx?siteid=1&siteid=1&pageid=398>
- کیانی، منوچهر؛ هاشمی، ابوالقاسم؛ روستا، علی؛ جهانخانی، علی و محمدرضا مه‌آبادی‌پور. (۱۳۷۰). خصوصی‌سازی (شرایط - تجربیات) (جلد ۱). تهران: سازمان صنایع ملی ایران - معاونت طرح و برنامه.
- مالجو، محمد. (۱۳۸۱). اعتراض جامعه مدنی به مثابه بدیلی برای سیاست خصوصی‌سازی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲ (۶): ۱۳-۲۷.
- AlHussaini, W., & Molz, R. (2009). A post-Keynesian regulatory model of privatization. *The Journal of Socio-Economics*, 38 (2): 391-398.
- Amin, Z. (2000). Q methodology – A journey into the subjectivity of human mind. *Singapore Medical Journal*, 41 (8): 410-414.
- Barker, J. H. (2008). Q-methodology: An alternative approach to research in nurse education. *Nurse Education Today*, 28 (8): 917-925.

- Birdsall, N., & Nellis, J. (2003). Winners and losers: assessing the distributional impact of privatization. *World Development*, 31 (10): 1617–1633.
- Brouwer, M. (1999). Q is accounting for tastes. *Journal of Advertising Research*, 39 (2): 35-39.
- Brown, S. R. (1996). Q Methodology and Qualitative research. *Qualitative Health Research*, 6 (4): 561-567.
- Lowery, D. (1998). Consumer Sovereignty and Quasi-Market Failure. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 8 (2): 137–172.
- Marangos, J. (2002). A post Keynesian critique of privatization policies in transition economies. *Journal of International Development*, 14 (5): 573–589.
- Meggison, W. L., & Netter, J. M. (2001). From State to Market: A Survey of Empirical Studies on Privatization. *Journal of Economic Literature*, 39 (2): 321–389.
- Molas-Gallart, J., & Tang, P. (2006). Ownership matters: Intellectual Property, privatization and innovation. *Research Policy*, 35 (2): 200–212.
- Mukherjee, A., & Suetrong, K. (2009). Privatization, strategic foreign direct investment and host-country welfare. *European Economic Review*, 53 (7): 775-785.
- Oum, T. H., Adler, N., & Yu, C. (2006). Privatization, corporatization, ownership forms and their effects on the performance of the world's major airports. *Journal of Air Transport Management*, 12 (3): 109–121.
- Przeworski, A. (1991). *Democracy and the market: Political and economic reforms in Eastern Europe and Latin America*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Raje, F. (2007). Using Q methodology to develop more perceptive insights on transport and social inclusion. *Transport Policy*, 14 (6): 467–477.
- Steelman, T. A., & Maguire, L. A. (1999). Understanding participant perspectives: Q-methodology in national forest management. *Journal of Policy Analysis and Management*, 18 (3): 361-388.
- Stolt, R., & Winblad, U. (2009). Mechanisms behind privatization: A case study of private growth in Swedish elderly care. *Social Science & Medicine*, 68 (5): 903–911.
- Valenta, A. (1997). Q Methodology: Definition and Application in Health Care Informatics. *Journal of the American Informatics Association*, 4 (8), 501-510.
- Warner, M. E. (2008). Reversing privatization, rebalancing government reform: Markets, deliberation and planning. *Policy and Society*, 27 (2): 163–174.